

جایگزین‌های حبس در سیاست کیفری افغانستان (با نگاهی به آسیب‌های مجازات زندان)

محمد نبی خلیلی^۱

چکیده

یکی از فراگیرترین ابزار کنترل اجتماعی، ایجاد نظم و پیش‌گیری از وقوع جرم، مجازات زندان است. اما اجرای آن نابسامانی‌ها و تبعات زیادی را اعم از زیان‌های جانی و مالی، برای شخص محبوس، خانواده‌ی وی، جامعه و دولت به دنبال داشته است. به‌طوری‌که امروزه سیاست کیفری اغلب کشورهای دنیا در جهت حذف مجازات حبس و اتخاذ شیوه‌ها و راهکارهای مفید در جهت به‌کارگیری جایگزین‌های مناسب برای زندان می‌باشد. علی‌رغم پیامدهای منفی و آثار نامطلوب زندان، در سیاست کیفری حبس محور افغانستان، زندان به عنوان شایع‌ترین مجازات در کشور تبدیل شده است. هدف پژوهش بررسی این مساله است که در نظام کیفری افغانستان چه جایگزین‌هایی برای مجازات زندان در نظر گرفته شده است. این نوشتار ضمن بیان مختصر آسیب‌های ناشی از زندان، به بررسی و تبیین گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس و ضرورت به‌کارگیری و پیش‌بینی آن‌ها در سیاست و قوانین جزایی افغانستان نیز، پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که آسیب‌های زندان از قبیل جرم‌زایی، آموزش جرم، هزینه‌های بالای اقتصادی باعث شده تا قانون‌گذار افغانستان سیاست کیفری حبس زدایی را جایگزین سیاست کیفری حبس‌گرایی نماید.

واژگان کلیدی: زندان، سیاست کیفری، جایگزین‌های حبس، حبس زدایی.

۱. استاد مدرسه علمیه جعفریه و کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.



مقدمه

مجازات زندان از ادوار بسیار دور در جوامع بشری جهت حفظ نظم و امنیت در جامعه و گاهی نیز به خاطر مصالح و منافع سیاسی نظام‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما به مرور زمان هدف استفاده از این مجازات توسعه یافته و به منظور اصلاح، درمان و بازپروری مجرمین برای بازگشت دوباره آنان به جامعه و نیز پیشگیری از وقوع مجدد جرم مورد استفاده قرار گرفت. اما این که این نوع مجازات از نقطه نظر محققان این رشته در برآوردن اهداف یادشده چقدر موفق بوده است، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از آن که به جای مجازات‌های بدنی مجازات زندان در نظام‌های حقوقی نقش مجازات اصلی و مؤثری را ایفا می‌کرد، اما پس از سالیان متمادی بر اساس تجربیات و مشاهدات ثابت شد که زندان در برآورده سازی انتظارات ناموفق بوده و اهداف کیفری از قبل تعیین شده برای آن به دست نیامده است. به ویژه اینکه امروزه نگرش عمومی زندان را نه تنها مرکزی برای اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرمان قلمداد نمی‌کند، بلکه از آن به نام مرکز آموزش جرم یاد می‌کنند. لذا نیاز جدی است که قانونگذار افغانستان نیز در راستای سیاست قضایی مبتنی بر کنار گذاشتن سیاست قضایی و اجرایی حبس گرایی حرکت نموده و از استفاده بی‌رویه از مجازات زندان خودداری نموده و رویکرد اصلاحی، تجدید نظر نموده و تصویر مطلوب و کارآمدی از مجازات حبس و نیز جایگزینی اقدامات دیگری که خاصیت ترهیبی، اصلاحی و تربیتی را که مؤثریت بیشتری دارد در حقوق جزای افغانستان ترسیم نموده و تطبیق نماید.

چنانچه امروزه در قوانین کیفری افغانستان و در دستگاه قضایی، حبس محوری حاکم است و مجازات زندان به عنوان یکی از عمده‌ترین مجازات‌ها مورد استفاده وسیع قرار می‌گیرد، که باعث ایجاد بحران در نظام حقوقی کشور گردیده است. مرور بر تحولات تاریخی این نهاد جزایی و بررسی معایب و چالش‌های آن در گذر تاریخ و تبیین جایگاه آن در عصر امروزی، می‌تواند یاری‌گر و راهنما برای قانونگذار و دستگاه



قضایی کشور در زمینه به‌کارگیری از این نهاد و نیز اتخاذ سیاست‌های جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و حتی مشارکتی باشد. اما سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود و در این نوشتار تلاش می‌شود که به آن پاسخ داده شود این است که آیا مجازات زندان تاکنون توانسته است برای رسیدن به اهداف مجازات پاسخ مثبت دهد؟ به عبارت دیگر این نوع مجازات، چه آثار و پیامدهای نسبت به افراد محکوم به زندان می‌تواند داشته باشد؟ برای دوری از تبعات منفی و زیان‌بار مجازات زندان، چه جایگزین‌هایی برای آن تاکنون مطرح گردیده است؟

لذا این نوشتار سعی دارد به روش علمی توصیفی ضمن مرور پیشینه‌ی اجمالی مجازات حبس، ابتدا با رویکرد انتقادی به تبیین و بررسی آسیب‌های زندان پرداخته و سپس به بررسی گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس بپردازد.

۱. نگاهی اجمالی به پیشینه مجازات زندان

زندان یکی از واژگان کهن فرهنگ بشر است که عمری به دیرینگی عمر بشر دارد. لذا در اکثر تمدن‌ها نشانه‌هایی از مجازات زندان مشاهده شده است. مثل این که بشر از همان ابتدا، با آگاهی از به بی‌بدیل بودن گوهر ناب آزادی، با محروم کردن فرد مجرم و یا خاطی از آن، در پی تنبیه و مجازات وی برمی‌آید تا آن‌های که مرتکب جرم شده‌اند در پشت دیوارهای بسته و در سلول‌های انفرادی محبوس گردند. هر چند در طول تاریخ بشر شایع‌ترین شیوه مقابله با جرم و مجرم در کنار مجازات‌های دیگر، استفاده از ابزار زندان بوده است؛ اما با این حال هیچ کس نمی‌تواند تاریخ دقیقی برای تأسیس نخستین زندان در تاریخ بشریت ذکر کند، زیرا این مسئله تقریباً به قدیمی‌ترین ایامی که زندگی اجتماعی بشر آغاز شد باز می‌گردد.

انسان در مقابله با جرم و مجرمیت، از گذشته‌های دور تاکنون راه حل‌های بسیاری را تجربه کرده است ولی هنوز به نقطه‌ی اطمینان بخشی نرسیده است. تلاش مداوم حقوقدانان، جرم‌شناسان، و سایر دانشمندان و صاحب نظران پیوسته ادامه دارد تا بتوانند بهترین راه حل را برای مقابله با جرم و مجرم ارائه کنند. یکی از مهم‌ترین



اقداماتی که برای مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری از آن کار می‌گیرند، مجازات حبس است (ابوترایان، ۱۳۶۳: ۲۵). در دوران قبل از اسلام، مجازات زندان به عنوان مجازات اصلی برای مجرمان خیلی مرسوم نبوده بلکه در موارد بسیار محدود و اکثرا در جرایم سیاسی کاربرد داشته است. هرچند گزارش هایی از وجود زندان کیفری در صدر اسلام نیز وجود دارد، اما استفاده از آنها بسیار محدود بوده است. هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع بشری، ایجاد نظام‌های حقوقی، توسعه و تقویت حکومت‌ها زندان نیز تا حدودی رواج یافت. اما در دوران اسلام زمانی که پیامبر (ص) خود در قید حیات بود مکان خاص برای حبس و زندانی کردن افراد مجرم مرسوم نبوده و تنها در خصوص اسیران جنگی رویکردی که گزارش شده، این است که آنها را یا در مسجد نگهداری می‌کردند و یا اینکه تسلیم مسلمانان قابل اعتماد می‌نمود تا ضمن نگهداری، نیازهای اولیه آنان را نیز فراهم سازد. عدم تشکیلات منسجم حکومتی از یک طرف و محدود بودن قلمرو حکومت اسلامی از طرف دیگر، عواملی بودند که نیاز به ایجاد تشکیلاتی به نام زندان را غیر ضروری ساخته بود. اما پس از گسترش قلمرو حکومت‌ها و ایجاد تشکیلات حکومتی، استفاده گسترده از زندان متداول گردید و نقش مهمی در حفظ قدرت و استحکام حکومت‌ها در سرزمین‌های اسلامی ایفا نمود.

در واقع تاریخ حبس از آن زمان تاکنون با دگرگونی‌های شگفت‌آوری هم‌زاد بوده است. تا قبل از قرن هجدهم تنها بخشی و حتی مهم‌ترین بخش نظام مجازات‌ها را تشکیل نمی‌داد. افزون بر آن هنگامی که زندان شکل گرفت و به وجود آمد تغییرات فراوانی را در ظاهر و ساختار به خود دید. در دهه ۱۸۳۰ زندان‌ها با اصول، نظم و انضباط شکل گرفت و با آغاز دهه‌ی ۱۹۰۰ مؤسسه‌های کیفری برای زندانیان فرصتی را فراهم نمودند تا در محیط زندان با یکدیگر یکی شده و به کارهای گروهی بپردازند. هم‌زمان در قرن نوزدهم زندان‌ها روبه تخصصی شدن نهادند؛ یعنی اطفال در مؤسسه‌های خاص، زنان در نهادهای دیگر و زندانیان روانی در مکانی جداگانه نگهداری می‌شدند (موریس و روتمن، مترجم، گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴: ص ۱۵).



بدین ترتیب می‌بینیم که در گذشته بدلیل توسعه‌نیافتگی جوامع، زندان صرفاً مکانی برای اعمال شکنجه و مجازات‌های خشن و طاقت‌فرسا علیه مجرمین که اغلب مخالفان سیاسی بودند، در بدترین شرایط در آنجا محبوس می‌گردیدند. این وضعیت در طول قرن‌های متمادی ادامه پیدا کرد تا این که به تدریج تحت تأثیر افکار و عقاید دانشمندان برجسته‌ای چون منتسکیو، روسو، بنتام، بکاریا و ... در رفتار با زندانیان تجدید نظرهای اساسی صورت گرفت و جنبه اصلاحی زندان مورد تأکید قرار گرفت. امروزه استفاده از زندان به عنوان مجازات اصلی با شرایط و مدت معین به منظور اصلاح و تربیت مجدد مجرمین هر چند در نظام‌های کیفری کشورها متداول و معمول است اما به دلیل آثار زیان‌بار آن بر فرد (زندانی) و جامعه، نسبت به برآورده شدن اهداف مجازات توسط زندان شک و تردیدهای به وجود آمده است. در قسمت بعدی این نوشتار سعی می‌شود به صورت اختصار به بررسی آثار و پیامدهای زیان‌بار اجتماعی و اقتصادی زندان پرداخته شود.

۲. آسیب‌های ناشی از زندان

چنان‌که در فوق اشاره شد مجازات حبس از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز به شکل‌های مختلفی در کشورهای دنیا اجرا می‌شده است. در این سیر علی‌رغم تحولات و تغییرات در نظام‌های حقوقی کشورها نسبت به شرایط به‌کارگیری از مجازات زندان، بسیاری از علمای حقوق، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، دیگر مجازات حبس را به دلیل آثار سوء و پیامدهای منفی که در پی دارد، ابزار مناسب برای اصلاح و بازپروری همه مجرمین نمی‌دانند. از جمله پیامدها و آسیب‌های ناشی از زندان که بعضاً غیر قابل جبران است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱. بازآموزی جرایم مختلف در محیط زندان

اگر بپذیریم که محیط زندان به مثابه یک جامعه است، همان‌طوری که فضای اجتماعی گاهی ممکن است باعث ارتکاب جرم و حتی آموزش ارتکاب جرم گردد، زندان نیز به عنوان یک جامعه محدود تر ممکن است زمینه برای ارتکاب جرم را



افزایش دهد. لذا می‌توان گفت در محیط زندان نیز احتمال ارتکاب جرم و آموزش مجرمیت وجود دارد و گاهی میزان آن نسبت به بیرون از زندان بیشتر نیز می‌گردد (مجیدی و صفاکیش، ۱۳۸۷: ش ۷۴، ص ۲۷). «فرهنگ جمعی که همانا آداب، رسوم و سنن مجموعه زندان به شمار می‌آید باعث انتقال تجارب و تحت شعاع قرار گرفتن افراد زندانی می‌گردد، خواه این فرهنگ مثبت باشد یا منفی، به سایرین و علی‌الخصوص به جدیدالورودهای بدون سابقه نیز انتقال خواهد یافت. ازاین روست که زندان را مدرسه تکرار جرم دانسته و آن را موجب حرفه‌ای شدن زندانیان می‌دانند. لذا زندانیان دارای عزت نفس و اراده‌ی پایین، سریعاً به خودباختگی دچار گردیده و پیرو حرکات جمعی می‌گردند» (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ش ۸۵، ص ۶).

بنابراین فرد محکوم به زندان، در طی مدت اقامت در محیط زندان در وضعیتی قرار می‌گیرد که در چنین حالت یک‌روند یادگیری طی می‌شود و مشمول فرهنگ پذیری از محیط پیرامون می‌شود. طبق نظریه معاشرت‌های ترجیحی ساتر لند، روابط اشخاص با محیط‌های پیرامون نقش عمده‌ای در ارتکاب جرم دارد. برای این که شخص در معرض انحراف و ارتکاب جرم قرار بگیرد، کافی است که فرد با محیط‌ها و شکل‌های رابطه داشته باشد که اعمال مجرمانه را تا حدی یک امر مطلوب و آرمانی خود بدانند (نیکبخت، ۱۳۹۳: ص ۱۱۶). از آنجا که محیط زندان انواع مجرمین را در خود جای داده و فرهنگ خاص خود را دارد، چه‌بسا فرد مرتبط با آن محیط تحت تأثیر رفتار و فرهنگ حاکم در محیط، ارتکاب جرم را تقلید نموده و فراگیرد.^۱ لذا پس از خروج از زندان اولویت‌ها و رفتارهای فراگرفته در زندان برایش بیشتر اهمیت پیدا کرده و در نتیجه خطر تکرار جرم افزایش می‌یابد. تحقیقات جزا شناسی نشان می‌دهد که حبس‌های کوتاه مدت نه تنها اثر اصلاحی ندارد بلکه اثر معکوس و منفی بر محکوم دارد. دلیل مطلب آن است که زندان‌ها نتوانسته است رسالت خویش را در اصلاح مجرم به خوبی ادا کند. مفاسد و معایبی که در درون محابس وجود دارد بر افرادی

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر. ک. به تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی دکتر نجفی ابرنآبادی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، دوره کارشناسی ارشد، سال ۱۳۷۸.



که بار اول زندانی و بعد از مدت کوتاهی رها می‌شوند اثر منفی گذاشته و آن‌ها را به دامان جرایم خطرناک‌تری سوق می‌دهد (علامه، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

۲-۲. زیان‌های اجتماعی و خانوادگی

یکی از زیان‌بارترین آثار مجازات حبس، محبوس شدن افراد فعال و خلاق جامعه در زندان است. «مجازات زندان علاوه بر این که در حین اجرا موجب بیکار شدن یک عضو فعال جامعه می‌گردد، پس از اجرا نیز باعث می‌شود که فرد موقعیت شغلی خود را از دست بدهد و در گذشته که عضو کاری جامعه بود اکنون بسان عضو بیکار سربار جامعه می‌شوند» (مجیدی بیدگلی، پیشین، ص ۲۸) و این سرمایه عظیم ملی که همانا نیروی انسانی است این گونه به هدر می‌رود. و از طرفی هم نگهداری هر زندانی با شرایط نسبتاً مناسب دارای هزینه‌های بسیاری است. گسترش زندان‌ها و افزایش آمار زندانیان و در پی آن هزینه‌های هنگفتی بهداشتی، درمانی، غذایی ... هزینه‌های سنگینی است که بر دوش دولت و اجتماع قرار می‌گیرد. از دیگر آثار عینی زندان ازهم‌گسیختگی کانون خانواده است. «پیامدهای ناشی از حبس افراد مدت هاست که اذهان را به خود مشغول کرده و این نکته را در ذهن متبادر می‌نماید که چنین مجازاتی با یک اصل مهم قضایی در تضاد است و آن اصل این است که تنها مجرم باید مجازات شود (اصل شخصی بودن مجازات) در حالی که معمولاً به تمام خانواده او اعم از همسر و فرزندان وی ضرر وارد می‌شود» (نور محمدی، پیشین، ص ۷). سرانجام آن که زندانی ساختن مرد فامیل، به ضرر حفظ کانون خانواده است زیرا از این طریق بدون دلیل موجه برای مدتی فرزندی از پدر و زنی از شوهر محروم می‌شوند.

با این حال طرد اجتماعی و ازهم‌گسیختگی خانوادگی باعث می‌شود که بسیاری از خانواده‌ها، اقوام، دوستان و عامه مردم چندان تمایلی به معاشرت با فردی که از زندان آزاد شده از خود نشان ندهند. علاوه بر آن ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد، وارد شدن صدمات روحی و روانی در نتیجه جداسازی از خانواده و مشکلات مالی و اقتصادی که قبلاً گریبان گیر او بوده و پس از زندان تشدید شده



است، مانع بازگشت عادی فرد به اجتماع و سایر نزدیکان او می‌شود.

۳-۲. زیان‌های مالی و اقتصادی

چنانچه که یادآوری شد با زندانی شدن یک فرد نه تنها آثار سوء بر خود او حادث می‌شود بلکه افراد و گروه‌های مختلف جامعه نیز از تبعات منفی آن متأثر می‌شوند. اولین فردی که زندان بر او اثر منفی می‌گذارد شخص زندانی است. علاوه بر این که به تمامیت جسمانی و روانی او تأثیر داشته؛ فشارهای مالی و اقتصادی زیادی بر خانواده و جامعه نیز از این طریق تحمیل می‌گردد. چراکه این فرد در طول دوره‌ی زندان از کار و فعالیت‌های اقتصادی بازمانده و درآمدهای اقتصادی او تعطیل می‌شود. به همین دلیل هم محکوم علیه و هم خانواده وی در طول مدت مجازات، معمولاً از مشکلات مالی و اقتصادی رنج می‌برند و با این حال حتی پس از آزادی نیز فرد آزادشده به واسطه سابقه محکومیت جزایی، قادر به یافتن شغل مناسبی که درآمد متعارفی داشته باشد نمی‌شود. علاوه بر این هزینه‌های که دولت برای ساخت و تعمیر زندان‌ها، حقوق و مخارج پرسنل اداری و خدماتی زندان، تهیه غذا و سایر موارد می‌نماید اقتصاد دولت را تضعیف کرده و آسیب‌پذیر می‌نماید.

از آن‌جا که زندانیان اکثراً در سنین از فعالیتی قرار دارند که در مناسب‌ترین دوران کارآمدی خویش به سر می‌برند، مجازات حبس منجر به هزینه‌بر شدن و از دست رفتن نیروی‌های انسانی فعال در جامعه می‌گردد. چنانچه هر جامعه‌ای که نیروهای انسانی خود را از دست بدهد به همان اندازه آن جامعه از استفاده از منابع خویش محروم شده است. (محسنی، ۱۳۸۷: ص ۶). «با این توضیح که در مجازات حبس علاوه بر این که افراد زندانی از کار و فعالیت باز می‌مانند و جامعه نیز از بازده آنها محروم می‌شود، خزانه دولت نیز به خاطر زندانی شدن افراد بزه‌کار به گونه ناسنجیده‌شده هزینه سنگینی را متحمل می‌شود» (مجیدی بیدگلی، پیشین، ص ۲۹). البته حبس می‌تواند به عنوان مجازات بازدارنده و نیز کیفر کسانی که امنیت جامعه و مردم را به خطر می‌اندازند و مرتکب جنایت، آدم ربایی (اختطاف)، شرارت‌های وحشیانه راهزنی، باندهای بین‌المللی مواد مخدر و امثالهم خوب باشد، ولی برای



نگهداری ورشکسته‌ها، جرایم غیر عمد، تصادفات رانندگی، تکدی‌گری، اعتیاد و اختلافات خانوادگی، زندان برای این‌ها نه تنها که خوب نیست بلکه ضررهای فوق‌العاده‌ای بر این افراد و خانواده‌های شان خواهد داشت و حد اقل خسارات وارده آن، از بین رفتن ترس است که این‌گونه افراد نسبت به زندان داشته‌اند و هم‌اکنون با آمدن به زندان این ترس برطرف خواهد شد و زمینه‌ها را برای ارتکاب جرایم بعدی در جامعه افزایش می‌دهد (شمس، ۱۳۹۴: د). لذا مجازات زندان به دلیل آثار و تبعات منفی آن مورد انتقاد قرار گرفته و در نتیجه، تلاش‌های گسترده برای مطرح کردن مجازات‌های جایگزین حبس صورت گرفته است تا با این طریق از ورود قابل توجهی از مجرمین به زندان جلوگیری گردد.

۳. ضرورت‌های به‌کارگیری جایگزین‌های حبس

انسان‌های سده‌ی هیجدهم به این اعتقاد بودند که زندان باعث اصلاح زندانی و موجب بازدارندگی مجرمان بالقوه‌ای است که هنوز دست به ارتکاب جرم نزده‌اند. «در سده‌ی نوزدهم، بر ندامت و پشیمانی مجرم بیشتر تأکید می‌شد و در سده‌ی بیستم، بارو آوردن به نظریه‌ی اصلاح و درمان، زندان‌های کوتاه مدت به خاطر زیان‌آور بودن آن، مورد انتقاد قرار گرفت. ولی، متأسفانه همه‌ی این امیدها بر باد رفت و زندان در رسیدن به هدف‌هایی که برای آن منظور شده بود، با شکست روبه‌رو شد» (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۴۰). متأسفانه امروزه، هنوز هم بسیاری از مردم طرفدار مجازات زندان بوده و آن را برای محکومان ضروری و مناسب می‌پندارند و دادگاه‌ها نیز تحت تأثیر همین افکار به زندانی کردن هر چه بیشتر مجرمان مبادرت می‌ورزند. «ولی باید توجه داشت که اولاً همه‌ی مرتکبان جرم خطرناک نیستند، و در ثانی بسیاری از مجرمانی که برای اولین بار دستگیر و محکوم می‌شوند، چندان تمایلی به ادامه‌ی فعالیت‌های مجرمانه ندارند و اگر هم به فعالیت‌های مجرمانه بپردازند، اغلب جرم‌های ارتكابی آنان کوچک و کم اهمیت است. و بالاخره ضمانت اجرای اجتماعی دیگری غیر از مجازات زندان نیز وجود دارند که هم ارزان‌تر و هم موثرتر



واقع می‌شوند و به مجرم این اجازه را می‌دهد که به جای ماندن در زندان و تحت آموزش‌های مجرمان خطرناک قرار گرفتن، جبران خسارت بزه‌دیده را تدارک نموده و هم‌چنین پاسخگوی اعمال مجرمانه خود باشند و اصلاح شوند» (پوربخش، ۱۳۸۷: ص ۸۵).

۱-۳. جایگزین‌ها فرصتی برای اصلاح

در اروپا مارک آنسل که به پایه‌گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین معروف است، ضمن اشاره به این مطلب که «سلب آزادی از محکومین رفته‌رفته خاصیت تریبی خود را از دست داده است و زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است، برآورده نمی‌سازد» در ادامه می‌نویسد: «سلب آزادی محکومان باید به عنوان «آخرین حربه» یا آخرین راه‌کار و چاره و آنگاه که هیچ شیوه و راه‌کار دیگری قابل اعمال نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل بزه‌کاران، اعمال شود» و به اعتقاد وی سیاست جنایی باید به سمت یک اقدام نظام‌مند برای بازسازی بزه‌کاران که فقط از طریق انسانی کردن نظام کیفری قابل گسترش است، تمایل داشته باشد (آنسل، ۱۳۹۱: ص ۹۶ و لازر، ۱۳۹۲: ص ۷۴). براین اساس جایگزین‌های مجازات حبس که مانع توسل به زندان می‌شود، نه تنها در اروپا بلکه در سایر کشورها نیز مورد پذیرش گسترده قرار گرفته است. استفاده از مجازات‌های جایگزین از سوی قضات محاکم و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، با وجود این که نشان دهنده تأثیر مثبت این حرکت جدید قضایی بر بزه‌کاران نوجوان جامعه است، اما متأسفانه هنوز جایگاه خود را در سیاست جنایی تقنینی کشور ما افغانستان باز نیافته است. و این در حالی است که بهره‌گیری از رویکرد مجازات زندان برای اطفال نه تنها تاثیری بر اصلاح کودکان مختلف ندارند، بلکه باعث می‌شود تا آنها بیشتر به سمت جرایم روی بیاورند. ضمن اینکه به زندان فرستادن کودکان زمینه و فرصت اصلاح و بازگشت آنان به جامعه را نیز از بین می‌برد. در حالیکه شرایط سنی کودکان اقتضا می‌کند نسبت به سرنوشت و آینده زندگی آنان توجه بیشتری صورت بگیرد.



۲-۳. جایگزین‌های سنتی و نوین مجازات حبس

یکی از مسایل مهم سیاست جنایی امروزی، این است که جز در موارد استثنایی اجتناب‌ناپذیر، باید جامعه را از شر زندان مصون نگهداشت و به منظور دفع قسمتی از آثار زیان‌بار زندان، مجازات‌های غیر سالب آزادی و ضمانت اجراهای اجتماعی دیگری را مورد استفاده قرار داد. این ضمانت اجراها که جایگزین مجازات حبس می‌گردد، سبب می‌شود که برخی از محکومان بی‌آنکه هراسی از ارتکاب جرم آنان وجود داشته باشد در جامعه به سر برند و پیوند مهم اجتماعی وی با خانواده و سایر گروه‌های اجتماعی حفظ شود. اما بر خلاف این رویکرد کلی، مجازات زندان همچنان و باقوت بیشتر در سیاست جنایی افغانستان تاکنون جایگاهش را حفظ کرده است. در افغانستان برای بیشتر فعل‌های ممنوعه اولین اهرم، کیفر حبس است که این خود ضرورت بازنگری و تغییر در سیاست کیفری افغانستان در قبال مجازات زندان را می‌طلبد. قانون جزا که یکی از مبانی ساختار سیاست کیفری افغانستان است، به دلیل این که مصوب سال ۱۳۵۵ شورای وزیران حکومت اقتدارگرای داود خان است و این زمانی است که هنوز نهادهای مردمی شکل نگرفته و کمیسیون تخصصی روی آن کار نکرده است، امروزه جوابگوی برآورده ساختن اهداف مجازات در نظام حقوقی کشور نیست. بنابراین با توجه به وضعیت زندان‌ها در افغانستان و آثار زیان‌بار اجتماعی و اقتصادی آن بر فرد محکوم، جامعه و دولت، سیاست‌گذاران و طراحان سیاست جنایی آینده کشور، ضمانت اجراهای جایگزین زندان را متناسب با اوضاع و شرایط موجود و عینی جامعه در نظر بگیرند. مجازات‌های جایگزین به دو گونه سنتی و مدرن می‌باشند که در قسمت بعدی این نوشتار به صورت مجزا بررسی خواهیم کرد.

۳-۳. جایگزین‌های سنتی

۱-۳-۳. آزادی مشروط

آزادی مشروط که مجرم پیش از تمام شدن مدت مجازات‌اش تحت شرایط لازم آزاد می‌شود، شامل آزادی تحت نظارت در اجتماع نیز می‌شود. «در این نهاد حقوقی

امکان لغو آن در صورت نقض شرایط مقرر در مدت آزادی وجود دارد. در آزادی مشروط، مجرم پس از سپری کردن مدتی از مجازات خود در زندان، در حالی که همچنان تحت نظارت قرار دارد، آزاد می‌شود» (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۱۱۳). آزادی مشروط با رعایت برخی مقررات قانونی به صورت حقی برای محکوم زندانی درمی‌آید، به‌ویژه آنکه در بعضی قوانین جزایی جدید، آزادی مشروط الزاماً آخرین مرحله‌ی رژیم تدریجی حبس^۱، قبل از آزادی نهایی را تشکیل می‌دهد (آنسل، ۱۳۹۱، ص ۹۸). یکی از دلایل توجیه آزادی مشروط، اصلاح و درمان و بازپروری مجرم و در نتیجه، پیش‌گیری از ارتکاب مجدد جرم او است. آنچه در اصلاح و بازپروری مرتکبان جرم بسیار با اهمیت است، تحت نظارت بودن مداوم آنان در هنگام آزادی و فراهم ساختن امکانات لازم برای بازگشت مجرمان به جامعه است. زیرا مهم‌ترین هدف و اساسی‌ترین مقصود اعمال آزادی مشروط فراهم سازی همین زمینه است.

۲-۳-۳. تعلیق اجرای مجازات^۲

این نهاد حقوقی به منظور رهایی محکوم علیه از کیفر زندان و شرایط نامناسب آن که توسط مکتب تحقیقی ابداع گردید. «حقی برای مجرم به حساب نمی‌آید، بلکه وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت نسبت به حال مجرم که در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات به دادگاه داده شده است» (فیروزجایی، ۱۳۸۷: ص ۷۳ و اردبیلی، ۱۳۸۴: ص ۲۴۱) یکی از اهداف تعلیق اجرای مجازات این است که به مجرم فرصت داده شود تا از راه‌های قانونی برای خودداری از ارتکاب جرم و آماده شدن برای بازگشت مجرم به زندگی عادی در جامعه زمینه فراهم گردد. این نهاد تعلیق اجرای مجازات، در صورتی جزو جایگزین‌های حبس به حساب می‌آید که همانند آزادی مشروط همراه با تدابیر نظارتی باشد و الا فلسفه وجودی چنین نهادی

۱. در رژیم تدریجی حبس، زندانی مراحلی مختلفی که در هریک فشار از مرحله قبل کمتر است (از زندان انفرادی کامل تا نیمه آزادی)، هم به عنوان پاداش رفتار شایسته خود و هم به منظور آماده شدن برای زندگی در خارج از زندان، طی می‌کند. «این رژیم موفقیت شایانی در قرن بیستم به دست آورد که در فرانسه نیز رد سال ۱۹۴۵ این رژیم توصیه شده بود و سرانجام قانون اصلاح زندان‌های آن کشور در سال ۱۹۷۵ با قبول نظام دیگری که عبارت از تقسیم زندانیان در موسسات تخصصی سازمان زندان‌ها است آن را ملغی کرد» (آنسل، ۱۳۹۱، ص ۹۸).

2. suspended sentence.



که درمان و اصلاح مجرم است زیر سوال خواهد رفت.

۳-۳-۳. جزای نقدی

جزای نقدی هم یکی از راه‌کارهای خوبی است که جرم‌شناسان و دانشمندان حقوق برای جایگزین زندان پیشنهاد کرده‌اند. در جرمه نقدی فرد زندانی، به جای رفتن به زندان محکوم به جریمه نقدی می‌گردد و این تبدیل از آسیب‌های ناشی از زندان جلوگیری می‌کند. و از ضرری که از ناحیه زندان به فرد، خانواده، جامعه و دولت وارد می‌شود جلوگیری کرده و باعث افزایش درآمدهای دولت و نهادهای قضایی و زندان‌ها می‌شود. به جای ورود فرد به محیط جرم‌زای زندان و صرف هزینه‌ها و امکانات بیشتر دولت برای زندانها، دولت پولی از فرد محکوم به زندان دریافت می‌کند و موجب افزایش درآمدهای دولت می‌گردد. جزای نقدی به خاطر خصوصیتی که داشت اولین و مهم‌ترین کیفری بود که نظر اندیشمندان کیفری و قانونگذاران دولت‌ها را به خود جلب کرد. قانون جزای افغانستان که مربوط به ده‌ها سال قبل است و روند طبیعی خود را طی نکرده است، جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس در این قانون جایگاهی ندارد، بلکه به عنوان جزای اصلی در کنار سایر مجازات‌ها از قبیل اعدام، حبس دوام، حبس طویل، حبس متوسط و حبس قصیر مطرح گردیده است. با توجه به تراکم جمعیت در زندان‌ها و وضعیت بد بهداشتی و کمبود امکانات، مسئولیت مجلس قانونگذاری افغانستان را سنگین‌تر کرده است تا با استفاده از نظریات و راه‌کارهای جدید جایگزین‌های نوین را مطرح و تصویب نموده و به مرحله اجرا گذاشته شود.

با وجود این که جزای نقدی در پاسخ به برخی از جرایم کم اهمیت و زندان‌های کوتاه مدت، مناسب‌ترین تدبیر است، اما با این حال ایرادهای نیز بر این جزای نقدی وارد است. نخستین ایرادی که وارد است این است که فشار آن بر ثروتمند و فقیر یکسان نیست و بنابراین ناعادلانه و نابرابر است؛ حتی در اغلب موارد از سوی شخص دیگری غیر از محکوم علیه پرداخت می‌شود. از سوی دیگر در صورت عدم پرداخت، به زندانی شدن محکوم ممتنع (مُعَسِر) می‌انجامد؛ امری که نهایتاً به

زندانی کردن کسی که با صدور حکم جزای نقدی، قصد جلوگیری از سلب آزادی او را داشته‌اند منجر می‌شود (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۰۴ و دادبان، ۱۳۷۷: ص ۶۷۵). ازین رو، وجود برخی از مشکلات و معایب در جایگزین‌های سنتی موجب شد که شکل جدیدی از جایگزین‌های زندان وارد قوانین جزایی کشورهای مختلفی شود که نه تنها عیب‌های کم‌تری نسبت به اشکال سنتی دارد، بلکه راه را برای استفاده بیشتر از این نوع مجازات‌ها به عنوان جایگزین زندان گشوده‌تر کرده است. شکل‌های جدیدی از جایگزین‌های زندان همان گونه که گفته شد، با رعایت اختصار در بخش بعدی این نوشتار مورد مطالعه اجمالی قرار می‌گیرد.

۳-۴. جایگزین‌های نوین

این نوع از تدابیر شامل جایگزین‌هایی می‌شوند که در چند دهه‌ی اخیر در نظام‌های حقوقی دنیا مطرح شده‌اند که مهم‌ترین گونه‌های مصادیق نوین آن عبارت‌اند از: جریمه روزانه، میانجی‌گری، تعویق تعقیب، نظارت الکترونیکی، کار عام‌المنفعه و تعلیق مراقبتی فشرده.

۱- ۳-۴-۱. جریمه روزانه

چنانچه یادآوری شد به دلیل ایراداتی که در جزای نقدی سنتی وارد بود، به تعبیر مارک آنسل جنبش سیاست جنایی مدرن برای از میان برداشتن این ایرادات و مشکلات، سعی کرد که جزای نقدی با توجه به اوضاع و احوال مربوط به جرم ارتكابی و نیز میزان درآمد و هزینه‌های متهم (جریمه روزانه) تعیین شود. بدین ترتیب مجازات‌های نقدی نه بر اساس پول، بلکه بر حسب روز و با توجه به میزان درآمد روزانه محکوم علیه تعیین می‌شود. هرچند در این نظام نیز انتقاداتی اندکی که وارد شده است، در کشورهایی که در اجرای آن تجربه‌هایی داشته‌اند، نتایج درخشان و سودمندی به همراه داشته است (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۳۸۸).

این جریمه‌ها به این دلیل روزانه نامیده می‌شود که میزان آن‌ها با درآمد روزانه مجرم ارتباط دارد. «در این نهاد حقوقی مبلغ و میزان جریمه توسط دادگاه در دو مرحله مشخص می‌شود. در مرحله اول قاضی با نگاه به نوع و اهمیت جرم پرداخت جریمه



را در یک محدوده قانونی تعیین می‌کند و در مرحله دوم قاضی به تناسب درآمد مجرم جریمه را مشخص می‌کند» (اسدی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۷ و پوربخش، ۱۳۸۷: ص ۸۷). بنابراین ایرادی که در جزای نقدی سنتی وارد بود مبنی بر اینکه فشار آن بر افراد فقیر و ثروتمند یکسان نیست، در نظام جریمه روزانه تا حدودی این اشکال برطرف می‌شود. بدین صورت شخصی که درآمد بیشتری دارد باید جریمه بیشتر و فردی که درآمد کمتری دارد جریمه کمتری پرداخت کند تا تناسب بین درآمد و جریمه به وجود آید.

۲-۴-۳. میانجی‌گری

در طول سالیان متمادی، در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای غربی جنبش بزرگی در زمینه‌ی محدود کردن قلمرو حقوق کیفری و نهادهای قضایی به وجود آمده که نتیجه‌ی آن، اتخاذ تدابیر و انجام اقداماتی چون جرم‌زدایی^۱، کیفر زدایی^۲ و قضا زدایی^۳ بوده است. با گسترش این تدابیر بسیاری از کشورها، برنامه‌های مختلفی طرح‌ریزی و اجرا کردند و از آنجا که بیش‌تر این برنامه‌ها که در رأس آن‌ها برنامه‌های سازش و میانجی‌گری قرار داشت به نتایج خوبی مخصوصاً در قلمرو بزهکاری کودکان و نوجوانان منجر شد، برخی از این کشورها آن‌ها را در نظام حقوقی خود وارد کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسئله‌ی حل و فصل و رسیدگی به دعاوی بیرون از محاکم در چارچوب طرح‌های سازش و میانجی‌گری، امروزه به یک مسئله مهم در نظام‌های حقوقی کشورها تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۲۵۰ و اسدی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۴).

۳-۴-۳. تعویق تعقیب

ممکن است امروزه تعقیب همه‌ی مجرمان به‌ویژه مرتکبان جرم‌های کم اهمیت که تراکم پرونده‌های کیفری (جزایی) را در بر دارد از دیدگاه سیاست جنایی سودمند به نظر نرسد. شاید «به این دلیل است که اصل یا قاعده‌ی دیگری به عنوان اقتضای

1. decriminalization

2. depenalization

3. diversion

تعقیب جایگاه خاصی را در میان ابزارهای سیاست جنایی به خود اختصاص داده است. البته تصمیم دادستان به تعقیب نکردن متهم به این معنا نیست که وی قصد دارد اشخاصی را که در ارتکاب جرم به گونه‌ای مستقیم دخالت داشته اند هرگز مورد تعقیب قرار نگیرند. عنوان (تعویق تعقیب) که به جای «بایگانی کردن پرونده جزایی» به کار برده می‌شود، با توجه به همین توجیه است؛ چرا که دادستان مجاز است که پیش از سپری شدن مدتی که قانونگذار برای مرور زمان تعقیب در نظر گرفته متهم یا متهمان را تحت تعقیب جزایی قرار دهد» (پوربخش، ۱۳۸۷: ص ۸۵). بنابراین در طول مدت مرور زمان ممکن است که پرونده برای انجام تحقیقات و رسیدگی به آن به دادگاه فرستاده شود. در این صورت نیازی به اثبات این که در طول این مدت که تعقیب انجام نشده، دلیل جدیدی به دست آمده که تعقیب را ضروری می‌کند، نیست.

۴-۳. نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی تدبیری نسبتاً جدیدی است که برای رعایت قواعد حبس خانگی استفاده می‌شود. «زیرا علاوه بر استفاده از این تدابیر برای اصلاح، تربیت و همین‌طور کاهش هزینه‌های زندان، از زمان اجرای ابتدایی آن در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰، نظارت الکترونیکی به صنعت بزرگی تبدیل شده است و هزاران نفر همه روزه از این رهگذر نظارت می‌شوند. مجریان نظارت الکترونیکی ابزارهایی را دور میچ یا گردن شان می‌بندند که علامت‌هایی را به اداره‌ی نظارت کننده می‌فرستد. بدین ترتیب مجرم فقط حق شرکت در برخی فعالیت‌های مشخص را دارد، در بقیه اوقات در منزل زندانی شده و تمام کارها و رفت‌وآمد اش به طور کامل تحت نظر قرار می‌گیرد» (اسدی، ۱۳۸۵: ص ۱۱۵).

هدف اصلی و عمده‌ی نظارت الکترونیکی کاهش جمعیت زندان، هزینه‌ها و در اجتماع نگه‌داشتن مجرمان و حفظ ارتباط اجتماعی آنان و حضور آنان در خانواده که از بسیاری از مشکلات دیگر جلوگیری می‌کند، قید شده است. با این وجود نباید نظارت الکترونیکی را به عنوان ضمانت اجرایی که زندان‌ها را خالی می‌کند، تلقی



کرد. ولی می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای جایگزین مؤثری در اختیار دادگاه‌ها باشد. در این باره که آیا نظارت الکترونیکی مجازات جایگزین پذیرفتنی برای زندان به شمار می‌رود یا نه، بحث‌های گوناگونی مطرح شده است. اما در مجموع می‌توان گفت نظارت الکترونیکی یک ضمانت اجرای مناسب و مؤثر در مورد جرم‌های غیر خشن است. دلیل‌های تجربی نشان می‌دهد که چنین نظارتی از نظر بازپروری و کاهش تکرار جرم، مؤثرتر از ضمانت اجراهای بازداشتی سنتی است (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۴۰۵)

۵-۴-۳. کار عام‌المنفعه (خدمات اجتماع محور)^۱

از جمله جایگزین‌های جدید کیفر سالب آزادی که در زمره ضمانت اجراهای اصلی جایگزین حبس محسوب می‌شود، حکم به انجام یک کار عام‌المنفعه یا کیفر خدمات عمومی است. محکومان به این کیفر با پذیرش این حکم ملزم می‌شوند در تمام مدت مقرر، توسط دادگاه به جای رفتن به زندان به انجام کارهای الزامی در محیط کار خود یا در محیط کار دیگری که از سوی مقامات قضایی مشخص می‌شود بپردازند. این تدبیر برای نخستین بار در سال ۱۹۲۰ مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی فرانسه قرار گرفت ولی در سال ۱۹۸۵ به عنوان کیفر جایگزین حبس وارد حقوق جزای این کشور شد (نجفی ابرندآبادی، ۷۹-۱۳۷۸: ۵۳۶). این کار نه تنها که خطرات و معایب زندان را ندارد بلکه ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی را به دنبال دارد. «انجام کارهای عام‌المنفعه از سوی محکوم مترادف با انجام بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح مجرم از رهگذر جلوگیری آثار منفی محکومیت به زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به خدمات عمومی و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به پیکر اجتماع وارد کرده‌اند» (فیروزجایی، ۱۳۸۷: ص ۸۵).

نتایج تجربه‌هایی که در اجرای آزمایشی کار عام‌المنفعه در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در فرانسه صورت گرفته بود، نشان می‌دهد که کار عام‌المنفعه می‌تواند کاربرد

1. community service

بسیار خوبی برای مجرمان بار نخست (در مقابل تکرارکنندگان جرم) داشته باشد و از تماس آنان با محیط‌های کیفری جلوگیری کند. از سوی دیگر بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کار عام‌المنفعه نسبت به تکرارکنندگان جرم که در بازداشت و زندان به سر می‌برند نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۲: ص ۳۴۵). امروزه کار عام‌المنفعه از سوی قاضی به مجرم پیشنهاد می‌شود تا مرتکب به جای رفتن به زندان، با انجام کاری به نفع جامعه در صدد جبران خسارت‌های وارده برآید. خدمات عمومی به عنوان یکی از جایگزین‌های زندان کوتاه مدت در قوانین کیفری بیشتر کشورهای پیشرفته، پیش‌بینی شده است. انجام این کار تأثیر مثبتی بر کاهش جمعیت زندان‌ها داشته است، به این توضیح که اشتغال به کارهای عام‌المنفعه از خطرهای و مضرات زندان کاسته و مانع تماس محکوم به حبس‌های کوتاه مدت با بزه‌کاران حرفه‌ای و خطرناک می‌گردد و همچنین رادع از هم‌گسیختگی خانوادگی و اجتماعی محکومان می‌شود. در کنار این امتیازها، کیفر خدمات عمومی ایرادهایی را نیز برانگیخته است که یکی از آنها مغایرت اجبار محکوم به انجام کار عمومی با اصل آزادی است، زیرا مطابق مقررات بین‌المللی انجام کار اجباری و بیگاری ممنوع شناخته شده است. از سوی دیگر در صورت تخلف محکوم، از انجام کار، دادگاه او را به زندان بسته باز می‌گرداند با وجود این ایرادها، خدمات عمومی نه تنها در سطح حقوق داخلی کشورهای پیشرفته، بلکه حتی در سطح سیاست‌گذاری سازمان‌های بین‌المللی نیز مورد توجه و عنایت واقع شده است (نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۵۵۰).

۶-۴-۳. تعلیق مراقبتی فشرده^۱

دوره مراقبت^۲ به عنوان یکی از نهادهای جانشین مجازات حبس، « عبارت است از کنترل اصلاحی و اجتماعی مجرمان خارج از محیط زندان» (صلاحی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴). البته کنترل و نظارت ممکن است به شکل‌های مختلف انجام شود. به عنوان مثال می‌تواند ساده و بدون تحمیل شرایط فوق‌العاده باشد مثل این که مجرم را موظف کرده باشد که هر ماه خود را به پلیس و یا سایر مسئولین معرفی کرده و از چگونگی

1. Intensive probation supervision

2. probation



حضور خود در حوزه قضایی محل کار گزارشی ارائه کند. و هم‌چنین مراقبت و کنترل می‌تواند مشدد باشد که مستلزم سطح بالایی از تماس مجرم با مأموران اصلاحی و مراقبتی است. فلسفه این نهاد حقوقی تحمیل مجازات سبک‌تر از حبس و شدیدتر از تعلیق مراقبتی ساده است. منظور از ابداع این سیستم آن است که ضمن خلاص کردن مجرم از تضییقات حبس در زندان‌های بسته، مقرراتی در باره وی اعمال نمایند که از تعلیق مراقبتی معمولی قدری دقیق‌تر و کنترل وی جدی‌تر باشد (صلاحی، ۱۳۸۶هـ.م).

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه بیان گردید به وضوح معلوم می‌شود که مجازات حبس به عنوان یکی از ضمانت اجرای جزایی، دارای آثار متفاوت و دوگانه‌ی است، هم می‌تواند از نظر اصلاح و تربیت جنبه‌ی ارباب عمومی نقش مؤثری داشته باشد و هم واجد آثار سوء زیانباری است که علاوه بر افزایش جرم و بزهکاری، منجر به قطع رابطه‌ی زندانی با زندگی عادی، خانواده و دوستانش می‌شود. به همین دلیل بسیاری از کشورها به روش‌های گوناگونی از جایگزین‌های مجازات زندان که برخی سنتی و برخی جدید اند، استفاده می‌کنند. در حال حاضر در سیاست جنایی تقنینی افغانستان، این تدابیر به عنوان جایگزین‌های حبس به صورت مستقل لحاظ نشده اند. بدیهی است که اقتباس این جایگزین‌ها و وارد کردن آن‌ها در نظام حقوق جزای کنونی افغانستان، از یک طرف نیازمند شناخت دقیق آن تدابیر و از طرف دیگر، شناخت وضع موجود و امکانات و توانایی‌های بالفعل و بالقوه‌ی دستگاه قضایی کشور است. برخی از این تدابیر با توجه به سنت‌ها، آداب و رسوم حاکم در جامعه‌ی افغانستان، امکان موفقیت آن بیشتر از بقیه است. آزادی مشروط، جزای نقدی روزانه، میانجی‌گری، کار عام‌المنفعه و تعلیق مراقبتی فشرده از جمله مهم‌ترین جایگزین‌هایی اند که امکان اجرای آن در افغانستان وجود دارد.



فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
۲. استفانی، گاستون، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، ج ۲، مترجم: حسن دادبان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. مجیدی بیدگلی، کبری و صفاکیش کاشانی، سمیه، ۱۳۸۷، آسیب‌های ناشی از مجازات زندان (بخش دوم و پایانی)، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۴، صص ۲۶-۳۰.
۴. موریس، نوروال و روتمن، داویدجی، ۱۳۸۴، تاریخچه زندان، مترجم: محمد رضا گودرزی بروجردی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۵. ابوترابیان، حسین، ۱۳۶۳، تاریخچه زندان، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر نو.
۶. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۷۹-۱۳۷۸، تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۲، (اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان)، دانشگاه شهید بهشتی، دوره کارشناسی ارشد.
۷. نورمحمدی، حسن، ۱۳۸۸، آسیب‌های زندان و مباحث شرعی موجود در زندان، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۸۵، صص ۴-۹.
۸. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره کارشناسی ارشد.
۹. علامه، غلام حیدر، ۱۳۹۰، عدالت جزایی در افغانستان (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: عرفان.
۱۰. محسنی، رضا علی، ۱۳۸۷، آسیب‌شناسی مجازات زندان و حبس، مجله دادرسی، شماره ۶۷، سال دوازدهم، صص ۳-۹.
۱۱. شمس، علی، ۱۳۹۴، آسیب‌شناسی زندان، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.



۱۲. صلاحی، جاوید، ۱۳۸۶، کیفرشناسی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۳. نیکبخت، سارا، ۱۳۹۳، کیفرشناسی (تحلیل آثار حبس بر زندانیان)، چاپ اول، تهران: کتاب آوا.
۱۴. پوربخش، سید محمدعلی، ۱۳۸۷، جایگزین‌های نوین مجازات حبس، مجله حقوقی گواه، شماره ۱۲، صص ۸۵-۸۹.
۱۵. فیروزجایی، حسن، ۱۳۸۷، جایگاه جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴ دوره جدید، صص ۶۷-۸۸.
۱۶. آنسل، مارک، ۱۳۹۱، دفاع اجتماعی، برگردان: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشور، ویراست چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۷. لارژو، کریستین، ۱۳۹۲، درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۸. اسدی، احمد، ۱۳۸۵، جایگزین‌های نوین نقدی بر مجازات حبس، چاپ اول، تهران: انتشارات کوهسار.
۱۹. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.